

ایگناتس گلدتسیهر، یوزف ساخت، یوزف فاناس، هارالد موتسکی و ...

تاریخ‌گذاری حدیث

روش‌ها و نمونه‌ها

به کوشش و ویرایش سیدعلی آقایی



انتشارات حکمت

تهران، ۱۳۹۴

مطالعات قرآن و حدیث

دبیر مجموعه

مهرداد عباسی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)

این مجموعه با رویکردی آکادمیک و مطابق با معیارهای پژوهشی امروز در پی عرضه تصویری واقعی از پیش فرض‌ها، مسئله‌ها، روش‌ها و دیدگاه‌های جدید در مطالعات قرآن و حدیث و نمایاندن رهیافت‌ها و چشم‌اندازهای نوین مطالعات اسلامی به پژوهشگران و علاقه‌مندان شاخه‌های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی است.



۱ رهیافت‌هایی به قرآن (۱۳۸۹)

مجموعه مقالات ویراسته جerald هاوتینگ؛ به‌کوشش و ویرایش مهرداد عباسی

۲ شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی (۱۳۹۳)

مجموعه مقالات نوشته گریگور شولر؛ ترجمه نصرت نیل‌ساز

۳ قرآن و زن: بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن (۱۳۹۳)

نوشته آمنه ودود؛ ترجمه اعظم پویا و معصومه آگاهی

۴ تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها (۱۳۹۴)

مجموعه مقالات گروهی از محققان؛ به‌کوشش و ویرایش سیدعلی آقای

۵ رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن (در دست انتشار)

مجموعه مقالات ویراسته اندرو ریپین؛ به‌کوشش و ویرایش مهرداد عباسی

۶ تفاسیر صوفیانه قرآن از سده چهارم تا هشتم هجری (در دست انتشار)

نوشته کریستین سندز؛ ترجمه زهرا پوستین‌دوز

فهرست

- ۱۱ پیش‌گفتار
- ۲۱ ۱. ارزیابی تاریخ‌گذاری احادیث
هارالد موتسکی؛ سیدعلی آقایی
- ۸۱ ۲. حدیث و سنت
ایگناتس گلدتسیهر؛ سیدعلی آقایی
- ۱۰۷ ۳. سند شاهی برای تاریخ‌گذاری حدیث
یوزف شاخت؛ مهرداد عباسی
- ۱۲۵ ۴. نظام اسناد: وثاقت و اعتبار
محمد مصطفی اعظمی؛ نصرت نیل‌ساز
- ۱۸۷ ۵. وصیت سعد بن ابی وقاص: تطور یک روایت
مارستن اسپیت؛ سیده‌زهرا مبلّغ
- ۲۱۱ ۶. وصیت سعد بن ابی وقاص: بازنگری
دیوید پاورز؛ سیدعلی آقایی
- ۲۳۱ ۷. تقدیر در رحم مادر: پژوهشی در پیوند حدیث و کلام
یوزف فان‌اس؛ اسماعیل باغستانی
- ۲۶۹ ۸. تاریخ‌گذاری روایات
مایکل کوک؛ مرتضی کریمی‌نیا
- ۲۸۵ ۹. نافع مولای ابن‌عمر و جایگاه او در آثار حدیثی مسلمانان
خوتیر ینبل؛ مرگان آقایی و راحله نوشاوند
- ۳۳۱ ۱۰. مطالعات حدیثی به کجا می‌رود؟
هارالد موتسکی؛ سیده‌زهرا مبلّغ

فهرست ۱۰

۴۱۷

۱۱. بازنگری برخی اصطلاحات در علوم حدیث
خوتیر ینبل؛ شادی نفیسی و فاطمه صادقی

۴۶۹

۱۲. حلقه مشترک و پیوندش با مدار
خالد ازکان؛ سیدعلی آقایی

۵۰۷

نمایه

پیش‌گفتار

مسلمانان از صدر اسلام تاکنون به حفظ و نقل احادیث اهتمام داشته‌اند، چراکه حدیث در سنت اسلامی همواره منبعی اساسی برای فقه، اخلاق، تفسیر قرآن و حتی تاریخ تلقی می‌شده است.^۱ عالمان مسلمان توجه داشته‌اند که این گنجینه ارزشمند اسلامی از تحریف و جعل به دور نمانده است، و از این رو، از سده‌های نخست بر پالایش احادیث همت گماشته‌اند. نقد و ارزیابی احادیث نزد عالمان مسلمان قدمتی طولانی داشته و به دوران جمع و تدوین حدیث بازمی‌گردد. متقدمان به تحقیق در مسئله وثاقت احادیث پرداخته و برای اعتبارسنجی احادیث از روش‌های متنوعی بهره گرفته‌اند. برخی همت خویش را صرف جداسازی احادیث صحیح از سقیم کرده‌اند و بدین منظور علاوه بر تألیف جوامع حدیثی که به‌زعم ایشان حاوی احادیث صحیح بوده، کتاب‌هایی در روش‌شناسی نقد احادیث نگاشته و معیارهایی برای ارزیابی احادیث تعیین کرده‌اند. گروهی نیز به نگارش آثاری مستقل پرداخته‌اند که در آنها احادیث و اخباری را که ظاهراً جعلی بوده‌اند، شناسانده‌اند. در عمده این تلاش‌ها، تفکیک احادیث صحیح از احادیث ضعیف و موضوع غالباً بر مبنای نقد سندی و جرح و تعدیل راویان صورت گرفته است.

۱. این تلقی نزد عموم مسلمانان پذیرفته است. اما از دوران کهن اقلیتی از مسلمانان بوده‌اند که در حجیت بی‌چون و چرای حدیث به‌مثابه منبع و حیانی تردید داشته‌اند. در دوران معاصر نیز حجیت حدیث با چالش‌هایی مشابه مواجه شده است. برای تفصیل بیشتر در این باره، نگاه کنید به: سیدعلی آقایی، «قرآن‌بستگی و انکار حجیت حدیث: بررسی خاستگاه و اندیشه‌های اهل قرآن/قرآنیون»، معرفت کلامی، سال اول، ش ۳، پاییز ۱۳۸۹، ص ۹۱-۱۱۲؛ نیز:

Aisha Y. Musa, *Hadith as scripture, Discussions on the Authority of Prophetic Traditions in Islam* (New York: Palgrave Macmillan, 2008), Introduction;

ترجمه فارسی: عایشه موسی، «حدیث به‌مثابه متن مقدس: مسئله حجیت حدیث و اهمیت آن»، ترجمه سیدعلی آقایی، خردنامه همشهری، ش ۵۰، خرداد و تیر ۱۳۸۹، ص ۱۳۷-۱۴۳.

هرچند گاهی نیز به نقد متنی احادیث توجه شده و معیارهایی برای نقد محتوایی حدیث عرضه شده است. عالمان مسلمان در دوره معاصر روش‌های ارزیابی احادیث را توسعه داده و گاه با ترکیبی از روش‌های سندی و متنی به نقد حدیث پرداخته‌اند.^۲

اسلام‌شناسان غربی روایات اسلامی را به‌مثابه منبعی اساسی برای شناخت تاریخ اسلام، خصوصاً در سده‌های نخست هجری، حائز اهمیت می‌دانند. همین امر موجب شده تا آنان برای بهره‌گیری از این منبع اطلاعاتی به مذاقه در ارزش تاریخی آن پردازند؛ بدین معنا که این روایات به‌واقع به چه دوره‌ای از تاریخ اسلام مربوطند و از حیث تاریخی به چه فرد یا افرادی منتسب می‌شوند. این امر نه‌تنها درباره روایاتی که وقایع تاریخی را بیان می‌کنند، بلکه در مورد احادیثی که به موضوعات فقهی، تفسیری و کلامی می‌پردازند نیز صادق است. به بیان دیگر، محققان غربی احادیث را منبعی برای بازسازی تاریخ اسلام تلقی کرده‌اند: «تاریخ وقایع، تاریخ فقه، تاریخ اندیشه‌ها و نهادهای دینی، تاریخ تفسیر قرآن و غیره». از این رو، یکی از مهم‌ترین تلاش‌های علمی محققان غربی بررسی و ارزیابی اعتبار، اصالت و صحت محتوای احادیث بوده است. این کار در روش‌شناسی تاریخی به «نقد منبع» معروف است. نخستین گام در نقد منبع «تاریخ‌گذاری اسناد/مدارک» است که هدف از آن تعیین اصالت و اعتبار اسناد/مدارک تاریخی است. از آنجا که محققان غربی احادیث را داده‌هایی تاریخی می‌دانند، این داده‌ها نیز باید همچون دیگر منابع تاریخی کهن نقد و تاریخ‌گذاری شوند تا ارزش و اعتبارشان روشن شود. سؤال اساسی در تاریخ‌گذاری حدیث تعیین تاریخ پیدایش و رواج آن است برای این که روشن شود تا چه حد می‌توان به اطلاعات ارائه‌شده در حدیث به‌عنوان منبع تاریخ اسلام اعتماد کرد؛ زیرا بنا بر اصلی پذیرفته در علم تاریخ، هرچه فاصله زمانی منبع اطلاعات از واقعه تاریخی‌ای که در آن منبع گزارش شده بیشتر باشد، احتمال رخ‌دادن خطا

۲. برای تحلیلی از کارکرد نقد محتوایی احادیث از سوی محدثان متقدم و چرایی غلبه نقد سندی احادیث بر نقد متنی در سنت اسلامی، رجوع کنید به: سیدعلی آقایی، «نقد محتوایی احادیث در حدیث‌پژوهی اهل سنت»، در: جشن‌نامه استاد محمدعلی مهدوی‌راد، به کوشش رسول جعفریان (قم: نشر مورخ، ۱۳۹۱)، ص ۱۳-۴۷. البته در دوران معاصر، عموماً نقد محتوایی احادیث بر نقد سندی اولویت یافته است. برای گزارشی کامل از رویکردهای عالمان معاصر به نقد حدیث، رجوع کنید به: محمدعلی مهدوی‌راد، «حدیث. پژوهش‌های حدیثی مسلمانان»، در: دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل (تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۴-)، ج ۱۲، ص ۷۵۶-۷۷۳، به‌ویژه ص ۷۶۴-۷۷۲. برای نمونه‌ای بارز در حدیث‌پژوهی شیعی، رجوع کنید به: سیدعلی آقایی، «روش‌شناسی علامه محمدتقی شوشتری در نقد احادیث ساختگی: کاوشی در کتاب الأخبار الدخیلة»، علوم حدیث، سال دوازدهم، ش ۴۵-۴۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ص ۲۲۰-۲۴۳.

یا تحریف در آن بیشتر و در نتیجه، اعتبار تاریخی آن کمتر است. همچنین تاریخ‌گذاری حدیث معلوم می‌کند که اطلاعات عرضه‌شده در آن برآمده از چه «شرایط زمانی - مکانی» است و بدین ترتیب ذهنیت حاکم بر پیدایی و رواج حدیث بازنمایی می‌شود.

با این‌که شباهت‌های زیادی میان تلاش‌های حدیثی عالمان مسلمان و محققان غربی در روش‌های ارزیابی و نقد احادیث دیده می‌شود، یک تفاوت اساسی رهیافت غربی را از رهیافت اسلامی متمایز می‌سازد. دغدغه عالمان مسلمان در قبال حدیث همواره مسئله «حجیت» بوده است چراکه حدیث را یکی از منابع اصلی دین تلقی می‌کرده‌اند. در مقابل، محققان غربی رویکردی متفاوت به احادیث داشته‌اند. آنان در پی شناخت تاریخ اسلام بوده‌اند و «حدیث مهم‌ترین منبع برای شناخت آن است». در مطالعه تاریخی اسلام، آنچه حائز اهمیت است نه حجیت احادیث که «اصالت» و «اعتبار تاریخی» آنهاست. از این رو، ممکن است حدیثی که از منظر عالمان مسلمان جعلی یا نامعتبر انگاشته می‌شود، برای محققان غربی حاوی اطلاعاتی ارزشمند از فضای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن دوره تاریخی باشد که حدیث در آن جعل شده است یا برعکس، حدیثی نبوی که عالمان مسلمان به‌عنوان حجت حکمی فقهی، شاهد دیدگاهی اعتقادی یا مؤید رأیی تفسیری بدان استناد کرده‌اند، از منظر محققان غربی فاقد اصالت تاریخی باشد و در انتسابش به پیامبر (ص) تشکیک کنند. البته روشن است که تفکیک صحیح از سقیم - چنان‌که در سنت نقادی اسلامی همواره محل توجه و اهتمام بوده - در حدیث‌پژوهی غربی موضوعیت ندارد، چراکه حدیث ضعیف یا موضوع نیز می‌تواند به شناخت تاریخ اسلام، البته نه لزوماً در زمانی که وانمود می‌کند به آن تعلق دارد بلکه در دوره‌ای که واقعاً در آن پدید آمده، کمک کند.

از این مقدمه کوتاه، وجه تمایز «نقد حدیث» در سنت اسلامی و «تاریخ‌گذاری حدیث» در حدیث‌پژوهی غربی آشکار می‌شود. به بیان دیگر، گرچه نقادی حدیث در سنت اسلامی سابقه‌ای کهن دارد و ریشه‌های آن به سده نخست هجری بازمی‌گردد، دغدغه اساسی همواره تثبیت حجیت حدیث چونان متنی مقدس و اثبات مرجعیت آن به‌عنوان منبع اساسی برای استخراج و استنباط احکام شریعت و عقاید اسلامی بوده است. این گونه نقادی غیر از «تاریخ‌گذاری حدیث» است که خاستگاه آن را صرفاً باید در اندیشه «تاریخ‌بنیاد» غربی جستجو کرد.^۳

۳. برای بحثی مشابه البته در سیاقی متفاوت، نگاه کنید به: مرتضی کریمی‌نیا، «پیش و پس از تتودور نلدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام»، صحیفه مبین، ش ۴۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۷-۴۲، به‌ویژه ص ۱۰-۱۱.

«تاریخ‌گذاری حدیث» اساساً مسئله‌ای غربی است. روش‌ها و ابزارهایی که محققان غربی برای نقادی و تاریخ‌گذاری احادیث به کار بسته‌اند، عمدتاً برگرفته از مطالعاتی است که دست‌کم از دو قرن پیش‌تر بر متون مقدس یهودی و مسیحی اعمال شده و در آن مجال آزموده شده‌اند.^۴ تنوع این روش‌ها در مطالعات کتاب مقدس زمینه‌ای برای تنوع روش‌های تاریخ‌گذاری احادیث فراهم کرده و تفاوت‌هایی در نتایج این روش‌ها را هم در پی داشته است. اما نزاع اصلی همچنان بر سر اعتبار «منابع مکتوب تاریخ صدر اسلام» به‌طور عام، و وثاقت «احادیث» به‌طور خاص است.

از اواخر قرن نوزدهم میلادی، محققان غربی روش‌های مختلفی را برای تاریخ‌گذاری احادیث ابداع کرده و به کار بسته‌اند. روش‌های تاریخ‌گذاری در مطالعات غربی را می‌توان به دو دسته «بیرونی» و «درونی» تقسیم کرد. مراد از روش‌های بیرونی روش‌هایی است که حدیث را با استفاده از اطلاعات و زمینه‌هایی خارج از متن یا سند حدیث تاریخ‌گذاری می‌کنند. تاریخ‌گذاری بیرونی درباره‌ی احادیثی امکان‌پذیر است که در آنها حوادث تاریخی مشخصی پیش‌بینی شده یا نشانه‌هایی از تحولات و تطورات تاریخی در آنها وجود داشته باشد. در روش تاریخ‌گذاری بیرونی، با اتکا به این شواهد تاریخی زمان پیدایش یا رواج حدیث تعیین می‌شود. نمونه‌ی بارز آن احادیث ملاحم است که در آنها از زبان پیامبر (ص) واقعه‌ای تاریخی مربوط به دهه‌ها یا حتی سده‌ها پس از وی پیش‌بینی شده است. این دست احادیث را می‌توان با اتکا به داده‌های تاریخی دیگر و زمینه‌های تاریخی - اجتماعی آنها تاریخ‌گذاری و زمان تقریبی پیدایش و انگیزه‌های رواج آنها را شناسایی کرد. در روش‌های درونی، از اطلاعات موجود در خود احادیث برای تاریخ‌گذاری استفاده می‌شود. این روش‌ها را بسته به نوع داده‌ای که در تاریخ‌گذاری استفاده شده، می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: (۱) تاریخ‌گذاری بر مبنای متن، (۲) تاریخ‌گذاری بر اساس سند، و (۳) تاریخ‌گذاری مبتنی بر تحلیل ترکیبی سند و متن. البته رهیافت‌ها در هر یک از این دسته‌ها یکسان نبوده و می‌توان آنها را به دسته‌هایی جزئی‌تر نیز تقسیم کرد. به‌علاوه، محققان غربی غالباً ترکیبی از روش‌های مختلف را برای تاریخ‌گذاری احادیث به کار بسته‌اند.

تقسیم‌بندی بالا تا حدودی بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه کلی محققان غربی درباره‌ی اصالت داده‌های حدیثی نیز هست. عموماً محققانی که چندان به اعتبار تاریخی احادیث اعتماد

۴. برای مروری کلی بر روش‌های نقادی کتاب مقدس، رجوع کنید به: سیدعلی آقایی، «رهیافت تاریخی - انتقادی در مطالعات کتاب مقدس»، کتاب ماه دین، سال شانزدهم، ش ۱۸۴، بهمن ۱۳۹۱، ص ۸۴-۹۰.

ندارند و آنها را حاصل جعل گسترده در دوره‌های متأخرتر تلقی می‌کنند، برای تاریخ‌گذاری احادیث بیشتر به شواهد بیرونی متوسل می‌شوند و روش‌های تاریخ‌گذاری درونی را ناکارآمد و حتی گمراه‌کننده می‌دانند. در مقابل، محققانی که دیدگاه معتدل‌تری دارند و ترجیح می‌دهند به‌طور موردی درباره‌ی اصالت یک‌یک احادیث تحقیق کنند، به داده‌های متنی و سندی احادیث برای شناسایی تاریخ‌پیدایی آنها اتکا می‌کنند.^۵ روش‌های تاریخ‌گذاری درونی نیز در طول زمان بهبود یافته‌اند و دسته‌بندی یادشده تقریباً با تطور و تکامل تاریخی این روش‌ها متناظر است. در حال حاضر، از میان روش‌های سه‌گانه بالا، دو روش نخست تاریخ‌گذاری از اقبال کمتری برخوردارند، چراکه در تحقیقات جدیدتر کاستی‌ها و نقاط ضعف آنها آشکار شده است. روش تاریخ‌گذاری مبتنی بر تحلیل ترکیبی سند و متن روزآمدترین روش تاریخ‌گذاری روایات است و در پژوهش‌های اخیر در غرب بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.^۶

هر روش تاریخ‌گذاری امکانات و محدودیت‌های خاص خود را دارد. مراد از امکانات زاویه دید و چشم‌انداز تازه‌ای است که با به‌کارگیری هر روش به روی محقق گشوده می‌شود و مقصود از محدودیت‌ها موانع و قیودی است که آن روش در برابر شناخت پدیده ایجاد می‌کند و مانع فهم آن – چنان‌که هست – می‌شود. هیچ روشی جامع و مانع نیست و نمی‌تواند امکانات همه روش‌ها را یکجا در خود داشته باشد و از محدودیت‌ها نیز به‌کل مبرا باشد، و در نتیجه، درباره‌ی هیچ روشی نمی‌توان ادعای اعتبار قطعی کرد و نتایج آن را یکسره درست دانست. بنابراین، لازمه اعتبارسنجی هر روش شناسایی دقیق امکانات و محدودیت‌های آن است. همچنین همه روش‌های تاریخ‌گذاری بر مجموعه‌ای از مقدمات روش‌شناختی و پیش‌فرض‌هایی درباره‌ی زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری و تطور احادیث استوار شده‌اند. بنابراین، اعتبارسنجی هر روش مستلزم شناسایی دقیق پیش‌فرض‌هایی است که تاریخ‌گذاری احادیث بر آنها تکیه دارد. روشن است روشی که

۵. برای مروری کلی بر رهیافت‌های متفاوت محققان غربی، رجوع کنید به: سیدعلی آقایی، «حدیث به مثابه داده تاریخی: مروری بر رهیافت‌های محققان غربی به مسأله وثاقت احادیث اسلامی»، آینه پژوهش، سال بیست‌وسوم، ش ۱۳۸، آذر و اسفند ۱۳۹۱، ص ۱۹-۲۹.

۶. برای فهرستی از جدیدترین پژوهش‌های انجام‌شده به روش تحلیل ترکیبی سند و متن، رجوع کنید به: مقاله نخست کتاب حاضر، هارالد موتسکی، «ارزیابی تاریخ‌گذاری حدیث»، پانویس ۱۷۸. همچنین برای تحلیلی از امکانات و محدودیت‌های روش‌شناختی این روش تاریخ‌گذاری، رجوع کنید به: سیدعلی آقایی، «تاریخ‌گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیل ترکیبی اسناد - متن: امکانات و محدودیت‌ها»، صحیفه مبین، ش ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۰۱-۱۴۰.

بتواند تصویری منسجم‌تر از تاریخ صدر اسلام ارائه کند و شواهد بیشتری در تأیید آن تصویر فراهم آورد، معتبرتر خواهد بود. به بیان دیگر، روش معتبر روشی بی‌نقص نیست بلکه روشی است که در قیاس با روش‌های بدیل نتایجی بهتر داشته و کارآمدتر باشد.

* * *

کتاب حاضر حاوی ترجمه فارسی مجموعه‌ای از مهم‌ترین نوشته‌های محققان غربی در باب تاریخ‌گذاری حدیث با رویکردهای متفاوت است که همگی، به استثنای دو نوشتار، طی قریب به پنجاه سال گذشته منتشر شده‌اند. نخستین مقاله، «ارزیابی تاریخ‌گذاری احادیث» از هارالد موتسکی (۲۰۰۵)،^۷ در حکم مقدمه‌ای جامع و فشرده در این باب است. فارغ از نگرش و رهیافت خاص موتسکی که در سراسر کارش پیداست، این مقاله برای خوانندگانی که با سیر تاریخی شکل‌گیری و دگرگونی این روش‌ها آشنا نیستند حاوی اطلاعاتی ارزشمند است، چراکه وی علاوه بر معرفی و طبقه‌بندی روش‌های مختلف، در توضیح هر روش به پژوهش‌های شاخص ناظر به آن روش نیز اشاره و نتایجشان را تحلیل کرده است. در گزینش مقالات این مجموعه به پژوهش‌های یادشده در مقاله موتسکی توجه داشته‌ام و برخی از آنها را که پیش‌تر به فارسی ترجمه و منتشر نشده بودند، در کتاب حاضر گنجانده‌ام و نیز مشخصات کتاب‌شناختی مقالاتی را که ترجمه فارسی‌شان جای دیگر در دسترس است، در پانویس‌ها بین کروشه درج کرده‌ام. بدین ترتیب، خواننده می‌تواند با مطالعه مقاله نخست این مجموعه و مراجعه موردی به نمونه‌هایی از مقالاتی که ترجمه فارسی آنها در همین کتاب یا جاهای دیگر در دسترس است، هم از مسائل و دشواری‌های تاریخ‌گذاری حدیث و هم از رویکردهای مختلف و روش‌های متنوعی که محققان غربی و مسلمان اتخاذ کرده و به‌کار بسته‌اند، اطلاع دقیق و جامعی به‌دست آورد و در گام بعد، بسته به علاقه و نیاز خود، به مطالعه جدی‌تر نمونه‌های دیگر بپردازد. در ادامه، درباره دیگر مقالات کتاب حاضر به اختصار توضیح می‌دهم.

«حدیث و سنت» ترجمه فصلی از پژوهش جامع و اثرگذار ایگناتس گلدتسیهر در باب تطور حدیث است که در کتاب مطالعات اسلامی (اصل آلمانی ۱۸۸۹-۱۸۹۰؛ ترجمه انگلیسی ۱۹۶۷-۱۹۷۱)^۸ منتشر شده است. گرچه موضوع این فصل در وهله نخست تاریخ‌گذاری حدیث به نظر نمی‌آید، در آن بصیرت‌هایی برای تاریخ‌گذاری متنی

7. Harald Motzki, "Dating Muslim Traditions: A Survey", *Arabica*, 52:2 (2005), 204-253.

8. Ignaz Goldziher, *Muhammedanische Studien* (Halle, Max Niemeyer, 1889-90), II, 3-27; English translation, *Muslim Studies*, tr. by C.R. Barber and S.M. Stern (London, George Allen & Unwin, 1971), II, 17-37.

احادیث هست که گلدتسیهر ضمن تحلیل نمونه‌های فراوانی از احادیث ارائه کرده است. این فصل از ترجمه انگلیسی کتاب گلدتسیهر به فارسی ترجمه شده است.

کاربرد سند در تاریخ‌گذاری احادیث با نام یوزف شاخت پیوندی نزدیک دارد. او در فصلی از کتاب خاستگاه‌های فقه اسلامی (۱۹۵۰) با عنوان «شاهد سند»^۹ مبانی و اصول این روش را توصیف کرده که ترجمه آن سومین بخش کتاب حاضر است. کار شاخت تأثیر بسزایی بر مسیر تحقیقات بعدی داشته و موافقت‌ها و مخالفت‌های بسیاری را برانگیخته است. یکی از منتقدان سرسخت شاخت محمد مصطفی اعظمی، محقق مسلمان و دانش‌آموخته در غرب، است. بخش چهارم کتاب حاضر ترجمه فصلی از کتاب او با عنوان در باب خاستگاه‌های فقه اسلامی شاخت (۱۹۸۵) است که در آن به «وثاقت و اعتبار نظام اسناد» پرداخته و دیدگاه‌های شاخت را نقد کرده است.

مارستن اسپیت روش تاریخ‌گذاری بر مبنای متن را در مقاله‌ای با عنوان «وصیت سعد بن ابی‌وقاص: تطور یک روایت» (۱۹۷۳)^{۱۰} آزموده است. ترجمه فارسی این مقاله پیش‌تر ضمن مجموعه مقالاتی با عنوان حدیث اسلامی: خاستگاه‌ها و سیر تطور (۱۳۸۹)^{۱۱} منتشر شده بود، اما به دلیل اغلاط مطبعی فراوان و افتادگی بخش‌هایی از مقاله، خواننده همچنان ناگزیر بود برای فهم درست مطلب به اصل انگلیسی مقاله مراجعه کند. از این رو، از مترجم مقاله در همان مجموعه خواستم آن مقاله را بازنگری و اشکالات و کاستی‌هایش را برطرف کند تا دوباره در این مجموعه چاپ شود. در مقاله ششم، «وصیت سعد بن ابی‌وقاص: بازنگری» از دیوید پاورز (۱۹۸۳)،^{۱۲} روش تاریخ‌گذاری اسپیت نقد و نتایج تحقیق وی بازنگری شده است.

یوزف فان‌اس در فصل نخست کتاب پیوند حدیث و کلام (۱۹۷۵)،^{۱۳} رهیافتی مرکب از تحلیل سندی و متنی را برای بررسی خاستگاه چهار حدیث جبرگرایانه برگزیده است. ماهر جرار این فصل را از آلمانی به عربی ترجمه و در مجله الأبحاث (۱۹۹۹)

9. Joseph Schacht, *The Origins of Muhammadan Jurisprudence* (Oxford, Clarendon Press, 1950), 163-179.

10. Marston Speight, "The Will of Sa'ad b. a. Waqqāṣ: The Growth of a Tradition", *Der Islam*, 50 (1973), 249-267.

۱۱. هارالد موتسکی، حدیث اسلامی: خاستگاه و سیر تطور، به کوشش و ویرایش مرتضی کریمی‌نیا (قم، دارالحدیث، ۱۳۸۹).

12. David Powers, "The Will of Sa'ad b. a. Waqqāṣ: A Reassessment", *Studia Islamica*, 58 (1983), 33-53.

13. Josef van Ess, *Zwischen Ḥadīṭ und Theologie* (Berlin: Walter de Gruyter, 1975), 1-32.

منتشر کرده است. در آغاز، همین نسخه عربی را مبنای کار قرار دادم و به مترجم سپردم، اما پس از اتمام کار به دلیل اشکالات و کاستی‌هایی که در ترجمه عربی آشکار شد، مجدداً با کمک دوستان آشنا به زبان آلمانی ترجمه فارسی را با اصل آلمانی مقابله و اصلاح کردم که حاصل آن بخش هفتم کتاب است. این مقاله صرفاً یکی از تحلیل‌های چهارگانه فان‌اس را شامل می‌شود که راجع به تاریخ‌گذاری حدیثی با مضمون «تقدیر در رحم مادر» است. مایکل کوک در فصل «تاریخ‌گذاری روایات» از کتاب عقاید کهن اسلامی (۱۹۸۱)^{۱۴} به اشکالات روش‌شناختی پژوهش فان‌اس پرداخته که ترجمه این فصل از کتاب او بخش هشتم مجموعه حاضر است.

پژوهش خوتیر ینبل با عنوان «نافع مولای ابن‌عمر و جایگاه او در آثار حدیثی» (۱۹۹۳) با تکیه بر روش تحلیل سندی، و نقد مفصل موتسکی بر آن و پیشنهاد روشی جایگزین به نام تحلیل ترکیبی سندی - متنی با عنوان «مطالعات حدیثی به کجا می‌رود؟» (اصل آلمانی ۱۹۹۶؛ ترجمه به انگلیسی، ۲۰۱۰)^{۱۵} مقالات نهم و دهم کتاب حاضرند. مقاله موتسکی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

ینبل در مقاله «بازنگری برخی اصطلاحات در علوم حدیث» (۲۰۰۱)^{۱۶} مدعی شده است که اصطلاحات ابداعی وی در روش تحلیل سندی با برخی اصطلاحات حدیثی در علم‌الحدیث معادل‌اند. در مقابل، خالد اُزکان در مقاله‌ای با عنوان «حلقه مشترک و پیوندش با مدار»^{۱۷} تلاش کرده است ضمن بررسی کاربردهای مختلف این اصطلاحات حدیثی از سوی عالمان مسلمان در دوران متقدم، متأخر و معاصر، مدعای ینبل را رد کند.^{۱۸} این دو نیز مقاله‌های پایانی مجموعه حاضرند.

14. Michael Cook, *Early Muslim Dogma: A Source-Critical Study* (Cambridge, Cambridge University Press, 1981), 107-116, 202-204.

15. Motzki, "Quo vadis *Hadīṭ*-Forschung? Eine kritische Untersuchung von G.H.A. Juynboll: 'Nāfi' the Mawlā of Ibn 'Umar, and his Position in Muslim *Hadīṭ* Literature", *Der Islam*, 73 (1996), 40-80, 193-231; English translation: "Whither *Hadīṭ* Studies?", in Motzki, *Analysing Muslim Traditions: Studies in Legal, Exegetical and Maghāzī Hadīṭ* (Leiden: Brill, 2010), 47-124.

16. G.H.A. Juynboll, "(Re)appraisal of some technical terms in *hadīṭ* science", *Islamic Law and Society*, 8:3 (2001), 303-349.

17. Halit Ozkan, "The Common Link and its Relation to the *Madār*", *Islamic Law and Society*, 11:1 (2004), 42-77.

۱۸. هرچند از نظر من تلاش وی منتج نبوده و اشکالات روش‌شناختی فراوانی در کار وی هست که در مقاله زیر به تفصیل آنها را نشان داده‌ام: سیدعلی آقایی، «حلقه مشترک و پیوند آن با اصطلاحات حدیثی»، تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۵۹-۹۸.

چنان‌که پیداست، در گزینش مقالات این نکته را در نظر داشته‌ام که تنوع دیدگاه‌ها و روش‌ها در باب تاریخ‌گذاری حدیث بازنمایی شده و از یکجانبه‌نگری در این باره پرهیز شود. خواننده مقالات این کتاب هم با روش‌های گوناگونی که محققان غربی و مسلمان برای تاریخ‌گذاری حدیث به کار بسته‌اند، آشنا می‌شود و هم نقاط قوت و ضعف، یا به تعبیر دیگر امکانات و محدودیت‌های آنها، را درخواهد یافت. غیر از دو مقاله نخست، دیگر مقالات به صورت دوگانه سامان یافته‌اند؛ یعنی هر مقاله با نقد یا ردّش همراه شده است. شماره صفحه اصل انگلیسی یا آلمانی مقالات (داخل کروشه و به صورت توپر) در متن آمده است. این امر کار کسانی را که می‌خواهند در مواردی به متن اصلی مراجعه کنند آسان‌تر می‌کند. به علاوه، چون ارجاعات متقابل در مقالات این کتاب فراوان است، برای تسهیل در مراجعه خواننده، در اولین ارجاع در پانویس (داخل کروشه) به مواردی که ترجمه فارسی‌شان در کتاب حاضر هست اشاره شده و در نتیجه، خواننده می‌تواند دیگر ارجاعات به آن مقاله را هم از طریق رهگیری شماره صفحات اصل (که در متن مقالات درج شده) ببیند. همچنین گاهی در متن یا پانویس برخی مقالات ارجاعاتی به صفحات قبل یا بعد همان مقاله هست که در این موارد نیز پیرو قاعده پیشین شماره صفحه مقاله اصلی (و نه ترجمه) با اعداد انگلیسی آمده است.

این مجموعه طیف متنوعی از نویسندگان را دربرمی‌گیرد: از گلدتسیهر و ساخت به عنوان پیشکسوتان تحقیق در باب حدیث و تاریخ‌گذاری آن گرفته تا محققان معاصر و سرشناس غربی چون فان‌اس، ینبل و موتسکی، و پژوهشگران مسلمان و نام‌آشنایی چون اعظمی. روشن است که روش بحث و سبک نگارش این نویسندگان یکسان نیست. بعضی از مقالات زبانی دیریاب دارند و واژگان بعضی دیگر کاملاً ابداعی است که احتمالاً برای خواننده اندکی نامأنوس جلوه می‌کنند. بدیهی است که این ویژگی‌ها و ناهمگونی‌ها در ترجمه فارسی مقالات هم نمود یافته است. اما برای فهم بهتر مقالات کتاب و دریافت پیوند آنها با یکدیگر، بهترین راهنما مقاله نخست مجموعه است که خواننده را به مطالعه و مراجعه مکرر به آن توصیه می‌کنم.

با توجه به نقص ادبیات پژوهشی در باب «تاریخ‌گذاری حدیث» و محدودیت آثار مرتبطی که پیش‌تر به زبان فارسی ترجمه شده باشند، کوشیده‌ام برای واژه‌های تخصصی معادل‌های مناسب و یکسان برگزینم و زبان و واژگان مقالات را که به همت مترجمانی کارشناس ترجمه شده‌اند، همسان کنم. سیاست حاکم بر ترجمه مقالات پایبندی کامل به قالب و محتوای اصل مقالات بوده است و به همین سبب گاه تفاوت‌هایی در شیوه نگارش و ارجاع‌دهی در مقالات مختلف دیده می‌شود. نیز از افزودن مطالب در متن یا

پانویس جز در موارد ضروری (که آنها هم داخل گروه آمده‌اند) پرهیز شده است. برای اطلاع خواننده، اصل لاتین واژه‌های تخصصی در نمایه کتاب درج شده است که می‌توان آن را واژه‌نامه‌ای تخصصی برای مطالعات حدیثی در غرب تلقی کرد.

در پایان لازم می‌دانم از مرتضی کریمی‌نیا تشکر کنم که طرح اولیه کار را مرهون مشورت‌هایش هستم. همچنین از همه دوستان و همکارانم که پیشنهاد ترجمه مقالات را پذیرفتند و با امانت و وسواس بسیار کارشان را به انجام رساندند، و از فریده فرنودفر، مالک حسینی، محمد سردانی، حیدر شادی، و دست‌آخر اندریاس اسماعیل که هر یک در مقابله ترجمه مقاله فان‌اس با اصل آلمانی و اصلاح آن سهمی داشتند، قدردانی می‌کنم. عزیزانی زحمت خواندن تحریر پیش از چاپ کتاب را قبول کردند: نصرت نیل‌ساز و سعید عدالت‌نژاد که هر یک تحریر اولیه یکی از ترجمه‌هایم را خواندند و نکاتی ارزشمند را یادآور شدند، سیدمحمد عمادی حائری که بخشی از تحریر پایانی کتاب را خواند و اشکالاتی را گوشزد کرد، و سرانجام دوست عزیزم محمدعلی خوانین‌زاده که از سر لطف در آخرین روزها با حوصله و دقتی وصف‌ناپذیر نسخه کامل متن نهایی کتاب را خواند و خطاهای به‌جای مانده را نشانم داد؛ از همگی سپاسگزارم. از یونس مهدوی برای بهبود حروف چینی کتاب و انتخاب قلم مناسب فارسی کمک خواستم که بر من منت نهاد و دانش فنی‌اش را در اختیارم گذاشت. ناگفته نماند که مهرداد عباسی در به انجام رساندن و نشر مطلوب و به‌هنگام کتاب سهمی بسزا داشت: از پیشنهادهایش در گزینش مقالات و طراحی ساختار کتاب فراوان بهره بردم و در غیابم کار طاقت‌فرسای ویرایش و آماده‌سازی کتاب را تمام کرد؛ از او هم تشکر می‌کنم. از مسئولان و کارکنان انتشارات حکمت به‌ویژه امیر مازیار و حسین خندق‌آبادی که برای ارتقای کیفی و آماده‌سازی هرچه بهتر کتاب سنگ تمام گذاشتند و از عارفه خندق‌آبادی که کار دشوار ترسیم نمودارها و تنظیم نمایه کتاب را بر عهده گرفت نیز سپاسگزارم. و همچون همیشه وامدار همسرم زهرا حاجی‌آخوندی هستم که در مدت ترجمه، ویراستاری و سامان‌دهی کار پشت‌گرم به همدلی‌ها و همراهی‌هایش بودم.

سیدعلی آقایی

بهمن ۱۳۹۳